



محمد رضا فخر روحانی

در هر نهضتی چند عامل وجود دارد که از اهمیت بسیار برخوردارند: رهبری، یاران، هدف غایی، راه کار و چارچوب فکری. هر یک از این عوامل در جای خود مهمند. یاران، همان‌هایی هستند که در به ثمر رسیدن ارشادات رهبری نقش بسیار چشم‌گیری ایفا می‌کنند. طبیعی است که بدون حضور و ایفای نقش یاران و با فرض وجود سایر عوامل دیگر، بعید است که نهضتی بتواند به پیروزی برسد.

کتابی که در این نوشتار مورد نقد و بررسی قرار گرفته، به مطالعه و دسته‌بندی یارانی می‌پردازد که توفیق شرف حضور در رکاب حضرت سیدالشهدا امام حسین علیه السلام را داشته و به فوز عظیم شهادت نائل شدند.

از میان کتاب‌هایی که به بررسی زندگی شهدای نهضت حسینی پرداخته‌اند، کتاب «البالغون الفتح فی کربلا» این امتیاز را دارد که طبقه‌بندی‌هایی را از این شهدای والامقام به دست می‌دهد. در اغلب کتاب‌های مربوط به واقعه کربلا فهرستی از شهدای کربلا را می‌توان یافت؛ هرچند برخی از کتاب‌ها منحصرأً به اصحاب حضرت امام حسین علیه السلام می‌پردازند که از آن جمله می‌توان از این کتاب‌ها نام برد: «ابصار العین فی انصار الحسین» تألیف شیخ محمدطاهر سماوی؛

«یاران پایدار امام حسین»، تألیف دکتر محمدهادی امینی نجفی؛

«چهره‌ها در واقعه کربلا»، تألیف محمدباقر پورامینی؛

«انصار الحسین»، تألیف شیخ محمد مهدی شمس‌الدین.

کتاب «البالغون الفتح فی کربلا» توسط آقای عبدالامیر

القریشی تألیف شده و در سال ۱۴۲۹ در بیروت منتشر گردیده است. این کتاب از هشت فصل تشکیل شده است. با بررسی این هشت فصل درمی‌یابیم که کتاب به سه بخش اصلی قابل تفکیک است: شهدای قبل از واقعه کربلا؛ شهدای حین واقعه کربلا در روز عاشورا، و شهدای پس از واقعه کربلا؛ اما تنها دو عنوان به صراحت به کار رفته است: فصل اول به نام «شهداء قبل الواقعة» و فصل هشتم، به نام «شهداء بعد الواقعة». از فصل دوم به بعد، عناوین فصل‌ها بر حسب قبیله و تیره است:

فصل دوم به شهدای بنی‌هاشم اختصاص دارد که در آن از شهدای آل علی علیه السلام، شهدایی از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام، شهدای آل عقیل و شهدایی از فرزندان عبدالله بن جعفر سخن رفته است.

◆ کتاب «البالغون الفتح فی کربلا» از هشت فصل تشکیل شده است. با بررسی این هشت فصل درمی‌یابیم که کتاب به سه بخش اصلی قابل تفکیک است: شهدای قبل از واقعه کربلا؛ شهدای حین واقعه کربلا در روز عاشورا و شهدای پس از واقعه کربلا؛ اما تنها دو عنوان به صراحت به کار رفته است: فصل اول به نام «شهداء قبل الواقعة» و فصل هشتم، به نام «شهداء بعد الواقعة».

فصل سوم به شهادتی که از انصار پیامبر اسلام بودند، پرداخته است.
فصل چهارم به آن اصحابی از امام حسین (ع) پرداخته شده که حضور و وجود مقدس پیامبر اسلام (ص) را درک کرده‌اند.

فصل پنجم به انصاری که از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بودند می‌پردازد.

فصل ششم به شهادتی می‌پردازد که توفیق بار یافتن به محضر پرفیض و نورانی حضرت امام حسن (ع) را یافتند.

فصل هفتم به شهادتی می‌پردازد که محققان آرای گوناگونی درباره آنها ابراز داشته‌اند.
فصل هشتم به دو بخش تقسیم شده است و نیز آنانی که از واقعه کربلا جان سالم به در بردند. دسته اخیر به دو گروه تقسیم شده‌اند: آنانی که از بنی هاشم بودند؛ مانند: امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین العابدین (ع)، حسن بن الحسن بن علی ابن ابی طالب و غیره اشقیان، مانند: عقبه بن سمعان و ضحاک بن عبدالله المشرقی.

در تدوین این کتاب از ۹۲ کتاب (به جز قرآن کریم) استفاده شده؛ منابع و مآخذ آن حاوی عناوینی جالب است، لکن در درج مشخصات کتاب‌ها به تاریخ نشر آنها اشاره نشده و تنها به درج تاریخ فوت نویسندگان آنها، پس از ذکر نامشان اشاره شده است.

این کتاب درباره هر کدام از شهدا به برشمردن نقاط برجسته از زندگی آنان و به ویژه نقش آنان در واقعه کربلا می‌پردازد. همچنین برخی شبهات نیز طرح و بررسی شده و پاسخ‌هایی را ارائه می‌دهد. از میان شهدای پیش از واقعه عاشورا، به بیان احوالات ۹ شهید پرداخته شده که سلیمان بن رزین (مولی الامام الحسین (ع))؛ مسلم بن عقیل؛ هانی بن عروه؛ قیس بن مسهر از آن جمله‌اند. سپس به شهدای بنی هاشم می‌پردازد و نخست به بررسی زندگی حضرت علی اکبر (ع) و عبدالله الرضیع اهتمام می‌ورزد. از شهدای آل علی (ع)، نخست حضرت عباس مطرح می‌شود و سپس دیگر فرزندان بزرگوار آن امام همام مطرح می‌شوند؛ از جمله: عثمان بن علی، جعفر بن علی و ابوبکر بن علی.

شهدای بزرگوار از اولاد امام حسن مجتبی (ع) که نامشان در این کتاب مطرح شده، عبارتند از: ابوبکر، قاسم و عبدالله. از شهدای آل عقیل نیز عبدالله بن مسلم بن عقیل، محمد بن مسلم بن عقیل، جعفر بن عقیل و عده‌ای دیگر مطرح شده‌اند و سپس به شهادتی که از اولاد عبدالله بن جعفر هستند، یعنی محمد بن عبدالله و عون بن عبدالله پرداخته است.

فصل سوم کتاب به شهادتی اختصاص دارد که از اصحاب پیامبر خدا ﷺ بودند؛ از جمله: انس بن کاهل اسدی؛ عبدالرحمن بن عبد ربه؛ حبیب بن مظاهر اسدی و مسلم بن عوسجه. فصل چهارم مربوط است به اصحابی که وجود پیامبر را درک کردند؛ مانند: زیاد بن غریب ابوعمره؛ مسلم بن کثیر الاعرج و یزید بن مغفل.

فصل پنجم به یاران حضرت امام علی علیه السلام اختصاص دارد که توفیق بار یافتن به محضر نورانی حضرت امام حسین علیه السلام را یافتند؛ مانند: ابو ثمامه صائدی؛ بُریر بن خضیر همدانی و نافع بن هلال.

فصل ششم کتاب به شهادتی اختصاص دارد که توفیق مصاحبت با حضرت امام حسین علیه السلام را داشته و به فوز عظیم شهادت نائل شدند. از این دسته یاران، از حرّ بن یزید ریاحی؛ عمرو بن جناده انصاری، عابس بن شیب شاکری، زهیر بن قین، اسلم ترکی، سیف بن مالک عبدی و مسعود بن الحجاج و بسیاری دیگر نام برده شده است.

فصل هفتم به بحث درباره کسانی می‌پردازد که مورخان نظرات گوناگونی درباره آنها ابراز داشته‌اند. این نظرات گوناگون، گاه به نسب و قبیله آنان مربوط می‌شود، گاه رجزهای شان به صورت‌های گوناگون ضبط شده و گاه هم به سابقه آنان در اسلام بازمی‌گردد. از این دسته از شخصیت‌ها می‌توان به مالک بن ذودان؛ عمرو بن خالد ازدی؛ رمیث بن عمرو و هفاف بن مهند راسبی بصری اشاره کرد.

فصل پایانی کتاب به شهیدانی می‌پردازد که در واقعه عاشورا مجروح شده و بعداً به فیض شهادت نیل یافتند. در این فصل از عمرو بن عبدالله جندعی؛ سوار بن منعم بن حابس همدانی و سوئیة بن عمر سخن رفته است.

به نظر می‌رسد که نویسنده محترم کتاب «البالغون الفتح فی کربلا» با درج کردن شهادی پیش از واقعه کربلا در ابتدای کتاب و شهادی پس از واقعه در آخر کتاب، ترتیب زمانی را در ذهن داشته؛ لکن از فصل دوم تا فصل ششم این ترتیب را رعایت نکرده است. در صورت داشتن نگرش تاریخی، لازم بود که شهادی واقعه کربلا حتی الامکان بر حسب زمان شهادتشان طبقه‌بندی شوند. در این صورت می‌شد فصل‌های کتاب بدین صورت مرتب گردد: شهادی پیش از روز عاشورا، شهادی روز عاشورا در حمله اول، شهادی بعد از ظهر عاشورا و شهادی پس از واقعه عاشورا.

هر چند قرار دادن عنوان شهادی بنی‌هاشمی برای فصل دوم کتاب، نشان از اهمیت بنی‌هاشم

و نیز آگاهی نویسنده محترم از این موضوع است، اما این روند در مورد سایر تیره‌ها و قبیله‌ها رعایت نشده است؛ بدین صورت که دیگر شهدای غیر بنی‌هاشمی بر حسب قبیله و تیره طبقه‌بندی نشده‌اند. نویسنده کتاب، شهدان را به آل علی علیهم‌السلام اولاد امام حسن مجتبی علیه‌السلام، آل عقیل و اولاد جعفر طبقه‌بندی کرده است؛ لکن دو شهید بزرگوار از اولاد حضرت امام حسین علیه‌السلام یعنی حضرت علی اکبر و عبدالله الرضیع (شیرخوار) را تحت عنوان «شهدا از اولاد امام حسین علیه‌السلام» درج نکرده است.

بهبتر بود که برای برخی عناوین، تعریف‌هایی ارائه می‌شد. برای مثال عنوان فصل سوم کتاب «انصار از یاران پیامبر اکرم» و عنوان فصل چهارم «اصحابی که پیامبر اکرم را درک کرده‌اند» می‌باشد. در آغاز این دو فصل تعریفی برای این دو عنوان نیامده و به نظر می‌رسد که عملاً و در محتوا، این دو عنوان یکسان باشند؛ به ویژه از عنوان فصل چهارم روشن نیست که مراد از «اصحاب» اصحاب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند یا اصحاب حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام.

فصل هشتم کتاب به شهدان پس از واقعه کربلا می‌پردازد. در این فهرست به نام چهار شهید اشاره شده است. آنچه عجیب می‌نماید این که دو بحث در این فصل بیان شده است که با عنوان فصل تناسب ندارند: اولاً صحبت از آنانی رفته است که از واقعه کربلا سالم بیرون رفته‌اند و دیگر این که چرا حضرت امام حسین علیه‌السلام به اصحابشان در شب عاشورا اجازه خروج از معرکه دادند. شاید بهتر بود که این دو موضوع اخیر در جای دیگری بحث می‌شد، نه در فصلی که مربوط به شهدای پس از واقعه کربلاست.

نکته آخر این که یکی از علمای سرشناس، خوشنام و خطاط معروف کربلا به نام «شیخ محمدعلی داعی‌الحق قرشی» برای این کتاب تقریظ نوشت که در آغاز آن آمده است.